

Solmaz Fereidouni¹Soraya Fatehkhah²**Abstract**

This study examines the validity and effectiveness of the semantic methodologies of Toshihiko Izutsu, with particular emphasis on synchronic and diachronic analyses, and those of Muḥammad Bāqir al-Ṣadr, focusing on thematic exegesis and systematic inquiry, in elucidating the semantic development of the term 'adl (justice). Verses 3 and 129 of Sūrat al-Nisā', which at first glance appear contradictory, have long constituted an important focus of exegetical discussions among Shiite and Sunni commentators. Employing a comparative-analytical approach and an inductive method, the present study collects and analyzes data from twelve Shiite and twelve Sunni transmitted Qur'anic commentaries, spanning the early to the contemporary periods.

First, the semantic field of 'adl is examined on the basis of Izutsu's methodological components, including syntagmatic and paradigmatic relationships, as well as the semantic development of the term from the pre-Islamic period to the Islamic period. Second, drawing on al-Ṣadr's methodology and employing systematic inquiry, concepts related to 'adl, including taqwā (piety), qist (equity), and mu'allaqah (a suspended marital relationship), are analyzed within the conceptual network of the verses.

The findings indicate that Izutsu's method is effective in representing semantic networks and structural oppositions, including the distinction between practical and affective dimensions. However, it encounters limitations in precisely explaining the context of revelation, the historical-narrative context, and the Qur'an's educational and reformative dimensions. By contrast, al-Ṣadr's methodology, through its systematic and problem-oriented approach, offers greater potential for deriving an educational-social model and connecting Qur'anic concepts to concrete social issues. From this perspective, it appears more effective in analyzing the issue of justice in family relationships while maintaining coherence with Islamic legal principles. Accordingly, the study concludes that an integrative use of the capacities of both methodologies can lead to a more comprehensive, balanced, and contextualized analysis of Qur'anic concepts, particularly the concept of 'adl.

Keywords: Verses 3 and 129 of Sūrat al-Nisā', comparative-riwā'i exegesis, structural semantics, Toshihiko Izutsu, Muḥammad Bāqir al-Ṣadr, synchronic analysis, diachronic analysis, 'adl (justice).

1 . M.A. in Islamic Studies, Fatemiyyeh Specialized Seminary, [City/Country]

Email: rabeeh.feraydouni64@gmail.com

2 . Level 2 Scholar, Fatemiyyeh Specialized Seminary, [City/Country]

Email: solymoly.soly59@gmail.com

الاختبار المنهجي لإيزوتسو والصدر في التحليل الدلالي المقارن لمفردة «العدل» في التفاسير الروائية

الشيعة وأهل السنة مع التركيز على التحليل التزامني والدياخرى والتساؤل الموضوعي

سلماز فريدوني^١

ثريا فاتحي خواه^٢

الملخص

تتناول هذه الدراسة مسألة صلاحية وكفاءة طريقتين دلالتين في تفسير مسار تطور مفردة «العدل» في القرآن الكريم: طريقة توشيهيكو إيزوتسو مع التركيز على التحليل التزامني والدياخرى، وطريقة محمد باقر الصدر ذات المحاور التفسير الموضوعي والتساؤل المنظم. إن الآيتين ٣ و ١٢٩ من سورة النساء، اللتين تبدوان في النظرة الأولى متعارضتين، كانتا محور النقاشات التفسيرية بين المفسرين الشيعة وأهل السنة. وقد جُمعت بيانات البحث من اثني عشر تفسيراً روائياً شيعياً واثني عشر تفسيراً روائياً لأهل السنة، من الفترة المبكرة حتى المعاصرة. في الخطوة الأولى، دُرِسَ الحقل الدلالي لمفردة «العدل» استناداً إلى مكونات طريقة إيزوتسو، بما في ذلك علاقات الاحتشاء والإحلال، ومسار التطور الدلالي من الجاهلية إلى الإسلام. وفي الخطوة الثانية، وبلاستعانة بطريقة الصدر والتساؤل المنظم، حُلَّت المفاهيم المتصلة بـ«العدل» مثل «التقوى» و«القسط» و«المعلقة» ضمن الشبكة المفاهيمية للآيات. تُظهر النتائج أن طريقة إيزوتسو كفؤة في تمثيل شبكة العلاقات الدلالية والتقابلات النبوية، لكنها محدودة في تفسير سياق النزول والسياق التاريخي الروائي والأبعاد التربوية للقرآن. في المقابل، تتمتع طريقة الصدر، بمنهجها المنظم والموجه نحو المسألة، بقدرة أكبر على استخلاص النموذج التربوي الاجتماعي وربط المفاهيم القرآنية بقضايا المجتمع الموضوعية. وتخلص الدراسة إلى أن الاستخدام المدمج للطريقتين يمكن أن يؤدي إلى تحليل أكثر شمولاً وتوازناً وسياقية لمفهوم «العدل».

١. طالبة الماجستير، الحوزة العلمية التخصصية الفاطمية (عليها السلام)

rabeeh.feraydouni64@gmail.com

٢. خريجة المرحلة الثانية، الحوزة العلمية التخصصية الفاطمية (عليها السلام)

solymoly.soly59@gmail.com



آزمون روش شناختی ایزوتسو و صدر در تحلیل معناشناختی تطبیقی واژه «عدل» در تفاسیر روایی شیعه و اهل

سنت با تأکید بر تحلیل هم‌زمانی، در زمانی و پرسشگری موضوعی

سولماز فریدونی^۱

ثریا فاتحی خواه^۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی اعتبار و کارآمدی دو روش معناشناختی در تبیین سیر تحول واژه «عدل» در قرآن می‌پردازد: روش توشیهیکو ایزوتسو با تأکید بر تحلیل هم‌زمانی و در زمانی، و روش محمدباقر صدر با محوریت تفسیر موضوعی و پرسشگری نظام‌مند. آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، که در نگاه نخست متعارض می‌نمایند، کانون بحث‌های تفسیری میان مفسران شیعه و اهل سنت بوده‌اند. داده‌های پژوهش از ۱۲ تفسیر روایی شیعه و ۱۲ تفسیر روایی اهل سنت، از دوره متقدم تا معاصر، گردآوری شده است.

در گام نخست، میدان معنایی «عدل» بر اساس مؤلفه‌های روش ایزوتسو، از جمله روابط هم‌نشینی و جانشینی و سیر تحول معنایی از جاهلیت تا اسلام، بررسی شده است. در گام دوم، با بهره‌گیری از روش صدر و پرسشگری نظام‌مند، مفاهیم مرتبط با «عدل» شامل «تقوا»، «قسط» و «معلقه» در شبکه مفهومی آیات تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها نشان می‌دهد روش ایزوتسو در بازنمایی شبکه روابط معنایی و تقابل‌های ساختاری کارآمد است، اما در تبیین سیاق نزول، بافت تاریخی-روایی و ابعاد تربیتی قرآن محدودیت دارد. در مقابل، روش صدر با رویکردی نظام‌مند و مسئله‌محور، ظرفیت بیشتری برای استخراج الگوی تربیتی-اجتماعی و پیوند مفاهیم قرآنی با مسائل عینی جامعه دارد. پژوهش نتیجه می‌گیرد بهره‌گیری تلفیقی از دو روش می‌تواند به تحلیلی جامع‌تر، متوازن‌تر و زمینه‌مندتر از مفهوم «عدل» بینجامد.

۱. کارشناسی ارشد، حوزه علمیه تخصصی فاطمیه علیه‌السلام

rabeeh.feraydouni64@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح ۲، حوزه علمیه تخصصی فاطمیه علیه‌السلام

solymoly.soly59@gmail.com

مقدمه

واژه «عدل» در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، که از یک سو جواز مشروط تعدد زوجات را به رعایت عدالت مشروط می‌کند و از سوی دیگر تحقق عدالت کامل میان همسران را در ساحت عاطفی و قلبی نفی می‌کند، همواره یکی از محورهای مهم بحث‌های تفسیری، فقهی و اخلاقی در میراث اسلامی بوده است. ظاهر این دو آیه در نگاه نخست می‌تواند پرسش‌هایی درباره امکان جمع میان «عدالت» در آیه ۳ و ناتوانی انسان از تحقق آن در آیه ۱۲۹ پدید آورد. مفسران شیعه و اهل سنت، با تکیه بر شواهد روایی، فقهی و تفسیری، در صدد تبیین نسبت میان این دو آیه و تعیین قلمرو عدالت مورد نظر قرآن برآمده‌اند.

اهمیت این مسئله از آن جهت است که پاسخ به آن، نه تنها یک مسئله انتزاعی تفسیری نیست، بلکه با چگونگی فهم مسئولیت‌های خانوادگی، حقوق متقابل زوجین و حدود تکالیف اخلاقی و شرعی در جامعه اسلامی ارتباط مستقیم دارد. از این رو، انتخاب روش مناسب برای تحلیل این مفهوم، تأثیر مستقیمی بر نتایج تفسیری و کاربردهای فقهی و اجتماعی آن خواهد داشت.

بر این اساس، مسئله محوری پژوهش حاضر، بررسی و ارزیابی روش‌شناختی دو رویکرد متمایز در مطالعات قرآنی است: نخست، روش توشیهیکوایزوتسو، با تأکید بر تحلیل هم‌زمانی و در زمانی برای کشف شبکه و میدان معنایی واژگان؛ و دوم، روش محمدباقر صدر، با محوریت تفسیر موضوعی و پرسشگری نظام‌مند برای استخراج منظومه فکری منسجم قرآن.

ضرورت و نوآوری پژوهش

ضرورت این پژوهش در شرایط معاصر، به‌ویژه با توجه به پیچیدگی‌های حقوقی، اخلاقی، روان‌شناختی و اجتماعی روابط خانوادگی، اهمیت بیشتری می‌یابد. بررسی مفهوم عدالت در تعدد زوجات تنها یک مسئله انتزاعی تفسیری نیست، بلکه با چگونگی فهم مسئولیت‌های خانوادگی، حقوق متقابل زوجین و حدود تکالیف اخلاقی و شرعی ارتباط دارد.

نوآوری پژوهش حاضر در دو محور اصلی صورت‌بندی می‌شود: نخست، آزمون تطبیقی و



تاریخی ظرفیت روش‌های ایزوتسو و شهید صدر در تحلیل مفهوم «عدل» با تکیه بر داده‌های ۲۴ تفسیر روایی شیعه و اهل سنت؛ دوم، بهره‌گیری از روش پرسشگری و استنتاج شهید صدر برای استخراج ابعاد تربیتی و اجتماعی مفهوم عدالت در مسئله روابط خانوادگی.

اهداف پژوهش

۱. ترسیم و تحلیل سیر تحول معنایی مفهوم «عدل» در دو سنت تفسیری شیعه و اهل سنت؛
۲. ارزیابی ظرفیت و کارآمدی روش‌های ایزوتسو و صدر در کشف روابط مفهومی و انسجام درونی آیات مرتبط با عدالت؛
۳. بررسی امکان بهره‌گیری از یافته‌های این دو رویکرد برای ارائه چارچوبی کاربردی در مواجهه با مسائل معاصر خانواده.

روش پژوهش

روش پژوهش، تطبیقی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد استقرایی است. داده‌ها از مجموعه تفاسیر روایی منتخب شیعه و اهل سنت درباره آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء گردآوری شده‌اند. در مرحله نخست، ابزارهای معناشناختی ایزوتسو برای بازسازی میدان معنایی «عدل» به کار گرفته شده است. در مرحله دوم، با بهره‌گیری از الگوی تفسیر موضوعی و پرسشگری نظام‌مند صدر، مفاهیم مرتبط با عدالت و نسبت آنها با یکدیگر در منظومه مفهومی آیات بررسی شده است.

جامعه آماری پژوهش

پژوهش حاضر سیر معنایی مفهوم «عدل» را در ۱۲ تفسیر روایی شیعه، از تفسیر قمی تا تفسیر جواد آملی، و ۱۲ تفسیر روایی اهل سنت، از تفسیر مقاتل تا تفسیر مراغی، بررسی می‌کند. ملاک انتخاب این تفاسیر، روایی بودن رویکرد آنها و میزان بهره‌گیری از روایات در تبیین آیات مورد مطالعه بوده است.

پیشینه پژوهش

شریفی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی اشتراکات روش علامه طباطبایی و ایزوتسو، ازجمله توجه به بافت، روابط معنایی و رتبه‌بندی واژگان پرداخته‌اند. گندمی نصرآبادی (۱۴۰۰) سه چالش اساسی روش فراتاریخی ایزوتسو را بررسی کرده است. کاوند (۱۴۰۰) به نقد مبانی و نحوه شناسایی مفاهیم کلیدی در روش ایزوتسو پرداخته است. بهجت و بستان نجفی (۱۴۰۳) الگوی تلفیقی «تفسیر موضوعی-نشانه‌شناختی» را با تطبیق بر داستان موسی عليه السلام و فرعون پیشنهاد کرده‌اند.

با توجه به مطالعات پیشین، بخش عمده پژوهش‌های موجود یا به بررسی مبانی و نقد روش معناشناختی ایزوتسو پرداخته‌اند، یا امکان تلفیق روش او با یکی از رویکردهای تفسیری را در یک موضوع خاص بررسی کرده‌اند. بااین حال، پژوهشی که به صورت هم‌زمان سیر معنایی مفهوم «عدل»، نسبت آن با آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، مقایسه روش ایزوتسو و شهید صدر، و داده‌های گسترده تفاسیر روایی دو سنت شیعه و اهل سنت را در یک چارچوب روش شناختی واحد بررسی کند، مشاهده نشد. ازاین رو، پژوهش حاضر درصدد پر کردن این خلأ است.

۱. معنای لغوی «عدل»

واژه «عدل» در کاربردهای اصلی خود، بر مفاهیمی همچون استواری، اعتدال، راستی، مساوات و قرار گرفتن امور در وضعیت متوازن دلالت دارد و در تقابل با مفاهیمی مانند «جور»، «ظلم» و «انحراف» قرار می‌گیرد. وجه مشترک این کاربردها را می‌توان در مفهوم کلی تعادل، تناسب و دوری از انحراف جست‌وجو کرد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۴۶-۲۴۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۸-۴۰). در «لسان العرب» نیز «عدل» در طیف گسترده‌ای از معانی، ازجمله در برابر «جور»، به معنای راستی و مساوات، در معنای فدیة و معادل ارزشی، و نیز در توصیف توازن در وزن و شکل، به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۳۰-۴۳۶).



بر این اساس، در پژوهش حاضر، معنای لغوی «عدل» در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، با توجه به سیاق آیات و کاربرد تفسیری آن، در چارچوب مفاهیمی همچون اعتدال، انصاف، توازن و رفتار متناسب بررسی می‌شود. عدالت میان همسران لزوماً به معنای تساوی مطلق و یکسانی در تمامی ابعاد زندگی نیست، بلکه ناظر به رعایت حقوق و تکالیفی است که در حوزه اختیار و رفتار انسان قرار می‌گیرد.

۲. معنای اصطلاحی «عدل» در قرآن

مفهوم «عدل» در قرآن را می‌توان از منظر نظام کلامی و الهیاتی، در پیوند با سه حوزه عدل تکوینی، عدل تشریعی و عدل جزایی بررسی کرد. با توجه به موضوع پژوهش، مفهوم «عدل» در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، در چارچوب عدل تشریعی و آثار رفتاری آن مورد توجه قرار می‌گیرد؛ زیرا مسئله اصلی این آیات، تعیین حدود تکلیف انسان در روابط خانوادگی و امکان یا عدم امکان تحقق عدالت در میان همسران است.

تمایز میان عدالت عملی یا رفتاری و عدالت قلبی یا عاطفی اهمیت اساسی می‌یابد. عدالت عملی به رفتارهایی همچون تأمین نفقه، رعایت نوبت و معاشرت شایسته مربوط می‌شود و در حوزه تکلیف و الزام شرعی قرار می‌گیرد؛ در حالی که عدالت قلبی ناظر به محبت، میل و گرایش درونی است که به طور کامل در اختیار انسان نیست.

۳. سیر تطور معنایی واژه «عدل»

۱۳. عدل در نظام معنایی پیشاقرآنی (عصر جاهلی)

در عصر جاهلی، مفهوم «عدل» در پیوند با زندگی عینی، مناسبات اقتصادی، ساختار قبیله‌ای و نظام ارزشی جامعه عرب شکل گرفته است. در این مرحله، می‌توان دست کم چهار حوزه معنایی مهم را از یکدیگر تفکیک کرد:

الف) تعادل و توازن فیزیکی: یکی از کاربردهای عینی و ملموس «عدل» به معنای ایجاد توازن در اشیا و به‌ویژه در حمل بار مربوط می‌شود. خلیل بن احمد در «العین» می‌نویسد:

«الْعَدْلَانِ: الحملان على الدابة، من جانبين... عُدِلَ أحدهما بالآخر في الاستواء كي لا يرجح أحدهما بصاحب» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۸-۴۰).

ب) همتایی و معادلی در ارزش و مقام: ابن فارس در «مقایس اللغة»، یکی از محورهای اصلی معنایی ریشه «عدل» را «النظير والمثل» دانسته است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۴۶-۲۴۸).
ج) داوری و میانجی‌گری مورد پذیرش جامعه: در شعری منسوب به زهیر بن ابی سلمی، «عدل» در ارتباط با صلاحیت داوری و پذیرش اجتماعی حکم به کار رفته است.
د) انحراف و میل؛ وجه مقابل استقامت: ریشه «عدل» در برخی مشتقات، در معنای میل از مسیر و انحراف از جهت اصلی نیز ظاهر می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۳۰-۴۳۶).
برآیند بررسی کاربردهای پیشاقرآنی نشان می‌دهد که «عدل» در این دوره، شبکه‌ای از معانی مرتبط با توازن و تعادل، همتایی و معادلیت، صلاحیت و اعتبار اجتماعی در داوری، و نیز عدول و انحراف از مسیر را دربرمی‌گرفته است.

۲.۳. عدل در نظام معنایی قرآن

ورود واژه «عدل» به نظام معنایی قرآن را نمی‌توان صرفاً انتقال یک معنای ثابت از فرهنگ عرب جاهلی به متن قرآن دانست. قرآن از واژگان و ظرفیت‌های معنایی موجود در زبان عربی استفاده می‌کند، اما آنها را در شبکه‌ای جدید از مفاهیم توحیدی، اخلاقی، حقوقی و تشریعی قرار می‌دهد.

در آیه ۳ سوره نساء، «عدل» در چارچوب تنظیم روابط خانوادگی و تعیین مسئولیت مرد در صورت تعدد زوجات مطرح شده است. ساختار آیه نشان می‌دهد که عدالت در اینجا از سطح یک ارزش اجتماعی فراتر رفته و در چارچوب نظام تشریع و مسئولیت شرعی قرار گرفته است.
آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، در کنار یکدیگر، ظرفیت مهمی برای تبیین قلمرو عدالت در روابط خانوادگی دارند. پاسخ تفسیری رایج در بخش قابل توجهی از میراث تفسیری، بر تمایز میان دو ساحت عدالت استوار است: عدالت در حوزه رفتارهای اختیاری و قابل کنترل، و عدالت در حوزه محبت و گرایش قلبی.



بر اساس این تمایز، آنچه در آیه ۳ مورد مطالبه قرار می‌گیرد، عدالت در اموری است که در قلمرو اختیار و رفتار انسان قرار دارند؛ اموری مانند رعایت حقوق مالی، نوبت و معاشرت شایسته. در مقابل، آیه ۱۲۹ ناظر به ساحت عاطفی و قلبی است؛ ساحتی که برابری کامل در آن برای انسان امکان‌پذیر نیست. بنابراین، «لن تستطیعوا» را نمی‌توان به معنای نفی مطلق امکان هرگونه عدالت میان همسران دانست؛ بلکه باید آن را ناظر به نوعی از عدالت دانست که تحقق کامل آن در قلمرو احساس و گرایش قلبی قرار می‌گیرد.

اهمیت این تمایز در آن است که دو آیه را نه در تعارض، بلکه در قالب تفکیک دو قلمرو متفاوت از عدالت قابل فهم می‌سازد. بر این اساس، مرد از یک سو موظف است در حوزه رفتارهای ارادی و حقوق قابل سنجش، از تبعیض و بی‌عدالتی پرهیز کند و از سوی دیگر، قرآن انسان را به برابری کامل در محبت و گرایش قلبی مکلف نمی‌کند؛ زیرا چنین امری خارج از کنترل کامل ارادی انسان است. باین حال، آیه ۱۲۹ حتی در ساحت عاطفی نیز رفتار ناشی از این نابرابری را به‌طور کامل رها نمی‌کند و می‌فرماید: «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ».

۳-۳. عدل در نظام‌های معنایی پساقرآنی

پس از نزول قرآن، مفهوم «عدل» در بستر گسترش فرهنگ اسلامی و شکل‌گیری نظام‌های مختلف فکری، کلامی، فقهی و اخلاقی، توسعه و تخصصی‌شدن بیشتری یافت. در علم کلام، «عدل» با مباحثی همچون حسن و قبح عقلی، حکمت افعال الهی و اختیار انسان پیوند یافت. در دانش فقه، مفهوم «عدالت» به‌عنوان وصف و شرط اشخاصی مانند شاهد، راوی یا قاضی مطرح شد. در حوزه اخلاق و حکمت عملی، عدالت در پیوند با مفهوم اعتدال و تنظیم قوای نفسانی تبیین شد.

۴. سیر معنایی «عدل» در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء بر اساس تفاسیر روایی شیعه

بررسی تفاسیر روایی شیعه از دوره متقدم تا دوره متأخر نشان می‌دهد که در تفسیر آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، یکی از مهم‌ترین محورهای تبیین مفهوم «عدل»، تفکیک میان عدالت رفتاری

و عدالت قلبی است. در این چارچوب، عدالت رفتاری یا حقوقی به اموری مربوط می‌شود که در قلمرو اختیار انسان قرار دارند و می‌توان رعایت آنها را موضوع تکلیف و الزام قرار داد؛ در مقابل، عدالت قلبی و عاطفی به محبت، میل و گرایش درونی مربوط می‌شود که تحقق تساوی کامل در آن، خارج از اختیار مستقیم انسان است.

در تفاسیر مورد بررسی، عدالت رفتاری معمولاً با اموری مانند نفقه، پوشاک، مسکن، تقسیم نوبت و زمان و معاشرت شایسته تبیین می‌شود. در مقابل، عدالت قلبی با مفاهیمی مانند محبت، مودت و گرایش عاطفی ارتباط می‌یابد. باین حال، ناتوانی انسان از تحقق تساوی کامل عاطفی به معنای مجاز بودن هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز نیست؛ زیرا آیه ۱۲۹ بلافاصله پس از نفی امکان عدالت کامل، از «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ» سخن می‌گوید و بدین ترتیب، حدی رفتاری برای جلوگیری از رها شدن یکی از همسران در وضعیت بلا تکلیف تعیین می‌کند.

۱۴. سیر معنایی در تفاسیر متقدم (قرن چهارم و پنجم هجری)

در تفاسیر متقدم، تبیین مفهوم «عدل» عمدتاً بر پایه روایات و در چارچوب تلاش برای رفع تعارض ظاهری میان دو آیه شکل گرفته است. در تفسیر قمی، این تفکیک به صورتی نسبتاً ساده و روایی ارائه شده است. عدالت در آیه ۳ به رعایت حقوق مادی و رفتاری مربوط می‌شود، در حالی که آیه ۱۲۹ ناظر به تفاوت در محبت و گرایش قلبی است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۲۶-۱۲۷). شیخ طوسی این تفکیک را با جزئیات فقهی و کلامی بیشتری بسط می‌دهد و بر تفاوت میان امور اختیاری و امور خارج از اختیار تأکید می‌کند (طوسی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۴).

۲۴. سیر معنایی در تفاسیر میانی (قرن ششم تا یازدهم هجری):

در تفاسیر میانی، تبیین مفهوم «عدل» از سطح صرفاً روایی فراتر می‌رود و لایه‌های فقهی، اخلاقی و عقلانی بیشتری می‌یابد. طبرسی عدالت در آیه ۳ را در اموری مانند نفقه و تقسیم نوبت قابل تحقق می‌شمارد و عدالت قلبی را از حوزه تکلیف خارج می‌کند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۷۸۳). فیض کاشانی با صراحت بیشتری این تفکیک را دنبال می‌کند و نهی از «میل کل المیل»



را به معنای جلوگیری از تبدیل تفاوت طبیعی در گرایش قلبی به تبعیض رفتاری تفسیر می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۱۴).

۳.۴. سیر معنایی در تفاسیر متأخر (قرن دوازدهم تا چهاردهم هجری و دوره معاصر):

در تفاسیر متأخر، اصل تمایز میان عدالت رفتاری و عدالت قلبی همچنان حفظ شده است؛ با این حال، تبیین این تمایز در چارچوب گسترده‌تری از مباحث اجتماعی، روان‌شناختی، اخلاقی و تربیتی صورت می‌گیرد. در تفسیر من هدی القرآن، پیوند عدالت با تقوا و اصلاح روابط خانوادگی برجستگی بیشتری می‌یابد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۵۶). در المیزان، علامه طباطبایی نیز میان عدالت مورد مطالبه در آیه ۳ و عدالت نفی شده در آیه ۱۲۹ تمایز قائل می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۲۵۷). در تفسیر نمونه و تسنیم نیز ابعاد اجتماعی و تربیتی مفهوم عدالت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۴۰۷؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۲۰۶).

جمع‌بندی سیر معنایی در تفاسیر شیعه

بررسی تطبیقی تفاسیر روایی و تفاسیر متأخر شیعه نشان می‌دهد که می‌توان سیر تفسیر مفهوم «عدل» در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء را، با احتیاط روش‌شناختی، در سه مرحله توصیف کرد:

۱. دوره متقدم: شکل‌گیری و تثبیت تفکیک میان عدالت رفتاری و عدالت قلبی، عمدتاً با تکیه بر روایت و با هدف رفع تعارض ظاهری دو آیه؛
 ۲. دوره میانی: گسترش این تفکیک از طریق افزودن مؤلفه‌های فقهی، اخلاقی و عقلانی و پیوند عدالت با مفاهیمی مانند تقوا، اصلاح، پرهیز از افراط و جلوگیری از تضییع حقوق؛
 ۳. دوره متأخر: توسعه افق اجتماعی، روان‌شناختی و تربیتی مفهوم عدالت و توجه بیشتر به پیامدهای عملی آن در روابط خانوادگی و حفظ حقوق و کرامت همسر.
- بنابراین، شواهد تفسیری نشان‌دهنده تداوم یک هسته معنایی و در عین حال توسعه

تدریجی شبکه مفهومی پیرامون «عدل» است. این نتیجه برای تحلیل روش شناختی پژوهش حاضر اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که مطالعه سیر معنایی «عدل» صرفاً با مقایسه تعاریف لغوی یا فقهی حاصل نمی‌شود، بلکه باید روابط این مفهوم با مجموعه‌ای از مفاهیم هم‌نشین، از جمله قسط، تقوا، ظلم، جور، میل، مودت، معروف و معلقه، و نیز زمینه تاریخی و تفسیری هر دوره بررسی شود. چنین رویکردی زمینه مناسبی برای مقایسه نتایج حاصل از روش معناشناختی ایزوتسو با روش تفسیر موضوعی و پرسشگری شهید صدر فراهم می‌کند.

جدول شماره ۱- سیر تحول واژه «عدل» در سه دوره تاریخی (متقدم: قرن ۴-۵ هـ، میانی:

قرن ۶-۱۱ هـ، متأخر: قرن ۱۲-۱۴ هـ / معاصر)

دوره / مفسر کلیدی	هسته مشترک (تفکیک عملی در مقابل قلبی)	لایه‌های افزوده (جدید نسبت به دوره قبل)	مثال کلیدی تفاوت / گسترش	تحول معنایی "عدل" (سیر تکاملی)
متقدم (قرن ۴-۵ هـ)	عملی/حقوقی (ممکن، الزامی، شرط جواز تعدد: نفقه، تقسیم درمقابل قلبی/مودت (محال، غیرتکلیفی: میل (دل	روایی ساده (استناد به حدیث برای تفکیک) اخلاقی اولیه (نهی از میل کل‌المیل برای جلوگیری از ظلم)	قمی: فقط نفقه عملی در مقابل مودت محال + نهی اخلاقی ظلم . طوسی: گسترش عملی (نفقه + کسوه + قسم + معاشرت) در مقابل غریزی الهی ("ذلك من فعل الله"، لا صنع للخلق) + مباح برای کاهش مشقت.	از تساوی مادی ساده به تفکیک روایی-اخلاقی؛ "عدل" پایه پاسخ شبهات (حوزه میانی فوق‌تکلیفی معرفی می‌شود) - حرکت به اخلاقی برای پرهیز مشقت.
میانی (قرن ۶-۱۱ هـ)	عملی/فقهی (داوری‌پذیر: نفقه، تقسیم، کسوه، مسکن، معاشرت بالمعروف، برّو بشر-واجب، قواعد عقلی	فقهی (قابلیت قضاوت عملی) اخلاقی پویا (میان‌روی، تقوا، اصلاح، پرهیز از معلقة عقلی "ما لا یدرک کله لا	طبرسی: تقوا + "تعولوا" = ستم میل. بحرانی: رفع شبهه روایی + کرامت زن (جلوگیری معلقة). فیض کاشانی: قاعده عقلی + پرهیز میل کل (میان‌روی عملی).	از حقوقی روایی به اخلاقی-فقهی پویا؛ "عدل" فرآیند میان‌روی (هدایت به تقوا + قاعده عقلی) - گسترش به

(۱) تمرکز: داوری‌پذیری + میانه‌روی + هدایت (تقوا)	ممکن در مقابل قلبی/عاطفی (غیرارادی، محال: مودت، میل دل)	یتړك كله - ترك کلی ممنوع	حویزی: بر + بشر + روایات گسترده. فتح‌الله کاشانی: سه سطح (شرعی/حقیقی/عملی) + تقوا.	داوری‌پذیری و پرهیز افراط/تفریط.
متأخر (قرن ۱۲-۱۴ هـ/ معاصر) غنای فلسفی، روانشناختی، اجتماعی و اخلاقی- تربیتی (تمرکز: واقع‌بینی + کرامت + مسئولیت چندبعدی)	عملی/رفتاری- اجتماعی (الزامی، ممکن: نفقه، قسم، معاشرت، حقوق اقتصادی/جنسی - شرط احتیاطی جواز) vs قلبی/فطری- روانی (محال، غیرقابل کنترل: میل، نوازع، محبت تحت عوامیل ذاتی/خارجی)	فلسفی (عقلانیست) تشریع، قسط توزیعی، احتیاط در مقابل الزام) روانشناختی (نوازع سلب‌شده، انگیزه روانی، طبیعت میل/شهوت) اجتماعی (مصلحت جمعی، حقوق زنان، حل یتیمی/فقر/عدم تعادل جنسیتی) اخلاقی-تربیتی (اصلاح دائمی، کنترل تبعات، تقوا، کرامت مهجور)	من‌هدی: مصلحت اجتماعی (حمایت بیوه یتیم) + کنترل شهوت. وحی: عوامل ذاتی/خارجی (زیبایی/فرهنگ) + احتیاط کرامت (یگانگی = استقامت). المیزان: عدالت تقریبی + فلسفه عقلانی (عول = انحراف). نمونه: فطرت جنسیتی (میل مردانه) + جامعه‌شناختی (سردمزاجی، روایات عملی). تسنیم: تبعات میل + تربیتی (اصلاح خانواده، روایت امام صادق).	از پویای فقهی- اخلاقی به مسئولیت انسانی گسترده و لایه‌دار؛ "عدل" واقع‌گرا (روانشناسی فطرت + جامعه‌شناسی مصلحت + تربیت خانواده)، پیشگیری از ظلم/معلقه با احتیاط پویا.

سیرمعنایی «عدل» از تفکیک روایی عدالت عملی و قلبی در دوره متقدم، به میانه‌روی فقهی. اخلاقی و قواعد عقلایی در دوره میانی، و سپس به مفهومی چندبعدی، واقع‌گرا و کرامت‌محور در دوره متأخر تحول یافته است.



سیر معنایی واژه «عدل» در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء براساس تفاسیر اهل سنت

بررسی تفاسیر اهل سنت نشان می‌دهد که در تفسیر آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، مفهوم «عدل» عمدتاً در دو ساحت رفتاری . حقوقی و قلبی . عاطفی صورت‌بندی شده است. در ساحت نخست، عدالت به اموری مربوط می‌شود که در قلمرو اختیار انسان قرار دارند و از این رو، می‌توانند موضوع تکلیف و ارزیابی قرار گیرند؛ اموری مانند نفقه، پوشاک، مسکن و تقسیم نوبت. در ساحت دوم، عدالت به تساوی کامل در محبت و گرایش قلبی مربوط می‌شود که تحقق آن برای انسان امکان‌پذیر نیست و از این رو، موضوع تکلیف مستقیم قرار نمی‌گیرد.

این تفکیک، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تفسیری برای جمع میان آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء است. بر اساس این رویکرد، نفی امکان عدالت در آیه ۱۲۹ به معنای نفی توانایی انسان بر تساوی کامل در محبت و گرایش قلبی است، نه نفی امکان رعایت حقوق و رفتار عادلانه. از سوی دیگر، نهی از «فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ» نشان می‌دهد که ناتوانی از برابری عاطفی، مجوز گرایش کامل به یک همسر و رها کردن دیگری نیست؛ زیرا چنین رفتاری می‌تواند زن را در وضعیت «معلقه» قرار دهد.

بررسی تاریخی تفاسیر اهل سنت نشان می‌دهد که این هسته تفسیری در دوره‌های مختلف استمرار یافته، اما شیوه تبیین آن تغییر کرده است. در تفاسیر متقدم، تأکید بیشتر بر روایت، لغت و مصادیق عینی عدالت است؛ در تفاسیر میانی، عناصر فقهی، بلاغی و کلامی به این چارچوب افزوده می‌شود؛ و در تفاسیر متأخر، امکان ظهور مؤلفه‌های اجتماعی و روان‌شناختی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، مشابه آنچه در تفاسیر شیعه مشاهده شد، در اینجا نیز بهتر است از گسترش شبکه مفهومی و تفسیری «عدل» سخن گفته شود، نه تغییر بنیادین معنای آن.

۱۵. سیر معنایی در تفاسیر متقدم اهل سنت: پایه‌گذاری روایی و عینی

در تفاسیر متقدم اهل سنت، تفسیر «عدل» در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء عمدتاً بر تبیین مصادیق عدالت و رفع تعارض ظاهری میان دو آیه استوار است. در این مرحله، عدالت مورد مطالبه در آیه ۳ به حوزه رفتارهای قابل تحقق مربوط می‌شود، در حالی که عدالت نفی‌شده در



آیه ۱۲۹ به تساوی کامل در محبت و گرایش قلبی بازمی‌گردد.

مقاتل بن سلیمان، از مفسران متقدم، عدالت در آیه ۳ را در حوزه امور عملی و قابل تحقق تفسیر می‌کند و آن را با رعایت حقوق همسران در زمینه‌هایی مانند نفقه، تقسیم زمان و بیتوته مرتبط می‌سازد. در مقابل، عدالت در آیه ۱۲۹ به برابری کامل در محبت و میل قلبی مربوط می‌شود؛ امری که از اختیار کامل انسان خارج است. باین حال، ناتوانی در تحقق تساوی قلبی، مجوز «میل کل الميل» نیست؛ زیرا چنین رفتاری می‌تواند همسر دیگر را در وضعیت بلا تکلیف قرار دهد. در همین زمینه، روایت قیس بن حارث نیز در ارتباط با تحدید تعدد زوجات مورد استفاده قرار گرفته است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۴۵-۳۴۶).

در تفسیر طبری نیز عدالت در آیه ۳ به رعایت حقوق مادی و رفتاری همسران مربوط می‌شود؛ امری که در توان انسان قرار دارند و در صورت تعدد زوجات باید رعایت شوند. در مقابل، عدالت در آیه ۱۲۹ به تساوی در محبت و گرایش قلبی مربوط می‌شود که تحقق کامل آن برای انسان ممکن نیست. از این رو، نهی از «میل کل الميل» به عنوان محدودیتی رفتاری مطرح می‌شود تا نابرابری طبیعی در محبت به ظلم و رها شدن یکی از همسران نینجامد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۲-۱۵).

نکته قابل توجه درباره طبری آن است که در این موضع، برخلاف برخی تفاسیر دیگر، تکیه اصلی بر تبیین تفسیری و معنایی آیات است و در این بخش، روایت مستقلی که مستقیماً برای تبیین تفکیک عدالت عملی و قلبی نقل شده باشد، برجستگی ندارد. این امر نشان می‌دهد که در همان دوره متقدم، تبیین مفهوم عدالت تنها از مسیر روایت صورت نگرفته و تحلیل لغوی و سیاقی نیز در شکل‌گیری این معنا نقش داشته است.

برآیند این دوره را می‌توان **شکل‌گیری صورت اولیه و عینی تفکیک عدالت** دانست: عدالت عملی در حوزه حقوق و رفتارهای قابل تحقق قرار می‌گیرد و عدالت قلبی به حوزه محبت و میل تعلق می‌یابد. در نتیجه، مفهوم «عدل» از یک معنای کلی به مفهومی کاربردی در تنظیم روابط خانوادگی تبدیل می‌شود، بدون آنکه هنوز همه لایه‌های فقهی و کلامی دوره‌های بعدی به آن افزوده شده باشد.

۲.۵. سیرمعنایی در تفاسیر میانی اهل سنت (قرن پنجم تا هفتم هجری): گسترش لایه‌های فقهی، کلامی و بلاغی

در تفاسیر میانی اهل سنت، هسته اصلی تفکیک میان عدالت عملی و عدالت قلبی استمرار می‌یابد؛ اما تبیین این دو حوزه با استدلال‌های فقهی، روایی، کلامی و بلاغی گسترده‌تری همراه می‌شود. در این مرحله، «عدل» در آیه ۳ بیش از پیش با مجموعه‌ای از حقوق عینی و قابل مطالبه پیوند می‌خورد و در آیه ۱۲۹، مفهوم عدالت قلبی در چارچوب مسئله اختیار، تکلیف و ناتوانی انسان از کنترل کامل عواطف بررسی می‌شود.

سمرقندی، عدالت در آیه ۳ را ناظر به امور عملی مانند تقسیم شب‌ها، نفقه، پوشاک و مسکن می‌داند؛ اموری که رعایت آنها در صورت تعدد زوجات امکان‌پذیر و موضوع تکلیف است. در مقابل، عدالت در آیه ۱۲۹ به تساوی در محبت و گرایش قلبی مربوط می‌شود. در تبیین وضعیت «معلقه» نیز روشن می‌شود که نفی امکان تساوی عاطفی، به معنای مجاز بودن رها کردن یکی از همسران نیست. در کنار این تحلیل، روایات مربوط به تحدید تعدد زوجات نیز برای توضیح زمینه فقهی آیه مورد استفاده قرار می‌گیرند (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۵۶).

در تفسیر بغوی، عدالت عملی در آیه ۳ با رعایت حقوقی همچون تقسیم نوبت و نفقه پیوند می‌خورد و به عنوان شرط رعایت عدالت در تعدد زوجات مطرح می‌شود. در مقابل، عدالت قلبی در آیه ۱۲۹ از حوزه اختیار کامل انسان خارج دانسته می‌شود. بغوی برای توضیح این تمایز از روایاتی درباره تقسیم میان همسران و دعای پیامبر ﷺ درباره اموری که در اختیار او نیست، بهره می‌گیرد. از این منظر، آنچه در قلمرو اختیار انسان است، موضوع عدالت و مسئولیت قرار می‌گیرد و آنچه خارج از اختیار اوست، نمی‌تواند به همان معنا موضوع الزام باشد (بغوی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۴۵۶).

ثعلبی نیز عدالت در آیه ۳ را تکلیفی و قابل تحقق می‌داند و اموری مانند تقسیم نوبت و نفقه را در زمره مصادیق آن قرار می‌دهد. در مقابل، عدالت قلبی در آیه ۱۲۹ به عجز انسان از برابری کامل در محبت مربوط می‌شود. اهمیت تفسیر ثعلبی در این است که مسئله را در پیوند با پرسش کلامی درباره تکلیف به امر غیرمقدور مطرح می‌کند: اگر عدالت قلبی اساساً در اختیار انسان نیست، آیه ۱۲۹ را نباید به معنای الزام به تحقق چنین امری دانست؛ بلکه نهی متوجه



رفتار عمدی و قابل کنترل انسان است. در همین چارچوب، روایات مربوط به دعا و تقسیم پیامبر ﷺ نیز برای تفکیک میان امور مقدور و غیرمقدور مورد استفاده قرار می‌گیرند (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۰۶).

در تفسیر زمخشری، این تمایز با دقت بلاغی و مفهومی بیشتری صورت بندی می‌شود. وی عدالت مورد مطالبه در آیه ۳ را در امور قابل رعایت، مانند تقسیم و نفقه، جست‌وجو می‌کند و عدالت نفی شده در آیه ۱۲۹ را به تساوی کامل در شئون عاطفی و گرایش قلبی مرتبط می‌سازد. در این تبیین، نهی از «میل کل الميل» اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا آیه صرفاً ناتوانی انسان از برابری قلبی را بیان نمی‌کند، بلکه او را از تبدیل این نابرابری طبیعی به رفتار یک‌سویه و **ظالمانه** باز می‌دارد. همچنین، پیوند آیات مربوط به یتیمان و زنان در ابتدای سوره، در تفسیر زمخشری، زمینه‌ای برای توجه به مفهوم ظلم و ضرورت رعایت عدالت فراهم می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۰۸، ۵۰۶).

نسفی نیز عدالت در آیه ۳ را در حوزه رفتارهای قابل تحقق، از جمله تقسیم و نفقه، قرار می‌دهد و آن را از عدالت قلبی در آیه ۱۲۹ متمایز می‌کند. وی عدالت قلبی را دربرگیرنده تساوی کامل در محبت و برخی جلوه‌های توجه عاطفی می‌داند و با استناد به روایات، بر این نکته تأکید می‌کند که انسان در امور قلبی مالکیت و اختیار کامل ندارد. در نتیجه، تکلیف به عدالت به حوزه‌ای تعلق می‌گیرد که در اختیار انسان است، در حالی که تفاوت‌های طبیعی در محبت از قلمرو تکلیف مستقیم خارج می‌شود (نسفی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۰۶).

جمع بندی دوره میانی اهل سنت

مقایسه این تفاسیر نشان می‌دهد که در دوره میانی، مفهوم «عدل» در آیات ۳ و ۱۲۹ همچنان بر همان دوگانه بنیادین **عملی/ قلبی** استوار است، اما شبکه مفهومی پیرامون آن گسترش می‌یابد. در این دوره، سه تحول مهم قابل مشاهده است:

۱. تعیین دقیق‌تر مصادیق عدالت عملی: نفقه، کسوه، مسکن و تقسیم نوبت به عنوان

اموری که در قلمرو اختیار و تکلیف قرار دارند، برجسته‌تر می‌شوند؛

۲. **تبیین کلامی نسبت عدالت و اختیار:** عدالت قلبی به دلیل عدم امکان کنترل کامل عواطف، از حوزه تکلیف مستقیم خارج می‌شود؛

۳. **تقویت جنبه اخلاقی و بلاغی عدالت:** نهی از «میل کل الميل» به عنوان ضابطه‌ای برای جلوگیری از تبدیل تفاوت طبیعی در محبت به ظلم رفتاری تفسیر می‌شود. بنابراین، در این مرحله نیز نمی‌توان گفت که معنای بنیادین «عدل» تغییر کرده است؛ بلکه **مصادیق، روابط مفهومی و مبانی توجیه‌کننده آن توسعه یافته‌اند.** عدالت از یک معیار کلی برای رفتار عادلانه، به مجموعه‌ای از حقوق و مسئولیت‌های قابل تشخیص تبدیل می‌شود و در کنار آن، مفهوم ظلم به عنوان نتیجه رفتار افراطی و یک‌سویه برجستگی بیشتری پیدا می‌کند. جمع‌بندی تطبیقی دو سنت تا این مرحله

در اینجا یک نتیجه بسیار مهم برای بخش بعدی پژوهش به دست می‌آید. مقایسه تفاسیر متقدم و میانی شیعه و اهل سنت نشان می‌دهد که **هسته تفسیری مشترکی** در هر دو سنت وجود دارد: آیه ۳ ناظر به عدالت در امور مقدور و قابل کنترل است و آیه ۱۲۹ ناظر به ناتوانی از تحقق تساوی کامل در محبت قلبی. با این حال، تفاوت مهم در نحوه بسط این هسته مشاهده می‌شود.

در تفاسیر شیعه، در کنار روایت، پیوند عدالت با **تقوا، اصلاح، میانه‌روی و قواعد عقلایی** در دوره‌های بعد برجسته‌تر می‌شود؛ در حالی که در تفاسیر اهل سنت، به‌ویژه در برخی تفاسیر میانی، **تحلیل لغوی، بلاغی، فقهی و کلامی** نقش پررنگ‌تری در تبیین این تمایز پیدا می‌کند. از منظر معناشناختی، بنابراین، نقطه اشتراک دو سنت را می‌توان در **ثبات هسته معنایی و نقطه افتراق آنها را در نوع روابط مفهومی و چارچوب استدلالی پیرامون «عدل»** جست‌وجو کرد. این یافته، زمینه مناسبی برای آزمون روش ایزوتسو فراهم می‌کند؛ زیرا می‌توان بررسی کرد که آیا تفاوت میان دو سنت تفسیری در شبکه هم‌نشینی و جانشینی «عدل» با مفاهیمی مانند **قسط، ظلم، جور، تقوا، معروف، میل، مودت و معلقه** بازتاب می‌یابد یا خیر.



نکته ویراستاری بسیار مهم برای ادامه کار: در بخش‌های بعدی بهتر است برای هر یک از ۱۲ تفسیر اهل سنت دقیقاً یک «واحد تحلیل» تعریف کنید: الف (معنای عدالت در آیه ۳، (ب) معنای عدالت در آیه ۱۲۹، (ج) مصادیق عدالت عملی، (د) مصادیق/تعریف عدالت قلبی، (ه) مفهوم مقابل عدالت، (و) رابطه با «معلقه»، (ز) مبنای استدلال مفسر: روایی، لغوی، فقهی، کلامی، اجتماعی. این کار باعث می‌شود بخش بعدی پژوهش واقعاً قابلیت تحلیل تطبیقی و آماری/شبکه‌ای داشته باشد و ادعای «سیر معنایی» نیز مستندتر شود.

۴. سیر معنایی «عدل» در تفاسیر روایی اهل سنت

بررسی تفاسیر اهل سنت نشان می‌دهد که در تفسیر آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، مفهوم «عدل» عمدتاً در دو ساحت رفتاری-حقوقی و قلبی-عاطفی صورت‌بندی شده است. این تفکیک، یکی از مهم‌ترین ابزارهای تفسیری برای جمع میان آیات ۳ و ۱۲۹ است.

۱-۴. سیر معنایی در تفاسیر متقدم اهل سنت

در تفاسیر متقدم، تأکید بیشتر بر روایت، لغت و مصادیق عینی عدالت است. مقاتل بن سلیمان عدالت در آیه ۳ را در حوزه امور عملی و قابل تحقق تفسیر می‌کند و آن را با رعایت حقوق همسران در زمینه‌هایی مانند نفقه، تقسیم زمان و بیتوته مرتبط می‌سازد (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱: ۳۴۵-۳۴۶). در تفسیر طبری نیز عدالت در آیه ۳ به رعایت حقوق مادی و رفتاری همسران مربوط می‌شود (طبری، ۱۴۱۲، ج ۴: ۱۲-۱۵).

۲-۴. سیر معنایی در تفاسیر میانی اهل سنت

در تفاسیر میانی، عناصر فقهی، بلاغی و کلامی به این چارچوب افزوده می‌شود. سمرقندی عدالت در آیه ۳ را ناظر به امور عملی مانند تقسیم شب‌ها، نفقه، پوشاک و مسکن می‌داند (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۵۶). در تفسیر زمخشری، این تمایز با دقت بلاغی و مفهومی بیشتری صورت‌بندی می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۰۶-۵۰۸).

۳-۴. سیر معنایی در تفاسیر متأخر اهل سنت

در تفاسیر متأخر، ابعاد اجتماعی، روان‌شناختی و تربیتی مسئله نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. سید قطب در فی ظلال القرآن مفهوم «عدل» را در ارتباط با واقعیت‌های روان‌شناختی انسان و نیازهای اجتماعی جامعه تحلیل می‌کند (سید قطب، ۱۴۲۳، ج ۲: ۶۵۶). مراغی نیز با تأکید بر احتیاط در تصمیم به تعدد زوجات، عدالت را به مثابه مسئولیت پیشگیرانه و حفظ حقوق زن تبیین می‌کند (مراغی، ۱۴۲۳، ج ۵: ۱۵۶).

۵. روش معناشناختی ایزوتسو در مطالعات قرآنی

توشیهیکو ایزوتسو با تلفیق زبان‌شناسی ساخت‌گرا، معناشناسی هم‌زمانی و پدیدارشناسی، روشی نوین برای کشف مفاهیم کلیدی قرآن ارائه داد (ربیعی آستانه، ۱۳۸۱: ۵-۷؛ پورافخم و عباسی، ۱۳۹۱: ۳۰-۲). این روش مبتنی بر تحلیل میدان‌های معنایی و روابط درون‌متنی واژگان است. ایزوتسو از تمایز میان روابط هم‌نشینی و جانشینی و نیز مفهوم میدان معنایی بهره می‌گیرد. (Sumera & Hussain, 2024: 125)

۱-۵. شناسایی واژگان کلیدی و تشکیل میدان معنایی

نخستین گام در روش ایزوتسو، شناسایی واژگان کلیدی است. «عدل» را می‌توان یکی از واژگان مهم در شبکه مفهومی قرآن دانست. از منظر میدان معنایی، معنا و کارکرد «عدل» در ارتباط با واژگانی مانند «قسط»، «حق»، «صدق»، «تقوا» و در نقطه مقابل مفاهیمی مانند «ظلم» و «جور» روشن‌تر می‌شود (پورمولا و همکاران، ۱۳۹۴: ۳-۴).

۲-۵. تمایز میان معنای پایه و معنای رابطه‌ای

معنای پایه «عدل» در حوزه‌هایی مانند توازن، استواء، برابری و قرار دادن هر چیز در جای مناسب قابل پیگیری است؛ اما معنای رابطه‌ای آن در نظام قرآنی، از طریق ارتباط با مفاهیمی مانند قسط، حق، ظلم، تقوا و معروف شکل می‌گیرد.

۶. تحلیل هم‌زمانی و درزمانی

۱-۶. تحلیل هم‌زمانی

تحلیل هم‌زمانی به بررسی روابط معنایی و واژگانی در یک مقطع زمانی معین، به‌ویژه در بافت زبانی و مفهومی عصر نزول قرآن، می‌پردازد. در تحلیل هم‌زمانی آیات ۳ و ۱۲۹، یکی از مهم‌ترین یافته‌ها، تمایز میان عدالت عملی و عدالت قلبی است. «عدل» در یک سوی این شبکه با مفاهیمی چون «قسط»، «حق»، «نفقة»، «قسم» و «معاشرت بالمعروف» پیوند می‌یابد و در سوی دیگر، مفاهیمی همچون «مودت»، «محبت» و «میل» قلمرو عاطفی و درونی را نمایندگی می‌کنند.

۲-۶. تحلیل درزمانی

تحلیل درزمانی به بررسی سیر تحول معنایی واژگان از دوره پیش‌اسلامی تا عصر نزول قرآن می‌پردازد. در پژوهش حاضر، این رویکرد برای بررسی این مسئله به کار گرفته می‌شود که «عدل» چگونه از مفاهیم ناظر به توازن، همتایی و داوری در زبان عربی، در نظام معنایی قرآن به مفهومی مرتبط با حق، قسط، مسئولیت اخلاقی و تنظیم روابط اجتماعی تبدیل می‌شود.

۷. روش معناشناختی محمدباقر صدر در مطالعات قرآنی

شهید محمدباقر صدر با طرح نظریه «تفسیر موضوعی»، رویکردی نظام‌مند و مسئله‌محور در مطالعات قرآنی ارائه می‌کند که بر کشف نظام فکری قرآن و نسبت آن با مسائل واقعی انسان استوار است (نظری و یوسف‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۱-۶؛ قربانخانی، ۱۴۰۰: ۱۲). هسته اصلی این روش، «گفت‌وگو با قرآن» یا پرسشگری از متن است. مفسر با مسئله‌ای واقعی و عینی به سراغ قرآن می‌رود و پاسخ قرآن را از طریق گردآوری و تحلیل مجموعه آیات مرتبط به دست می‌آورد (صدر، ۱۴۰۲ق: ۱۶-۳۳).





۸. آزمون روش صدر در تحلیل «عدل»

۱-۸. پرسشگری مسئله محور

پرسش محوری پژوهش: قرآن چگونه در مسئله تعدد زوجات میان واقعیت‌های روان‌شناختی انسان، الزام به عدالت رفتاری و پاسداری از حقوق و کرامت زن تعادل برقرار می‌کند؟

۲-۸. گردآوری و دسته‌بندی داده‌ها

داده‌های تفسیری در چهار سطح دسته‌بندی می‌شوند: عدالت حقوقی (نفقه، کسوه، مسکن و تقسیم زمان)، عدالت رفتاری (معاشرت بالمعروف و پرهیز از ترک و اعراض)، عدالت قلبی (محبت، مودت و گرایش درونی)، و پیامدهای اخلاقی و اجتماعی (ظلم، میل کل‌المیل و وضعیت «معلقه»).

۳-۸. تحلیل سیستمی

رابطه منطقی میان دو آیه را می‌توان چنین بازسازی کرد: امکان تعدد زوجات مشروط به عدالت عملی است؛ ناتوانی از تساوی کامل قلبی موجب سقوط تکلیف محال می‌شود؛ اما سقوط تکلیف قلبی به معنای سقوط مسئولیت رفتاری نیست؛ نهی از میل کلی برای جلوگیری از تضییع حقوق همسراست؛ و نتیجه، جمع میان واقع‌گرایی روان‌شناختی و مسئولیت حقوقی-اخلاقی است.

۴-۸. استخراج الگوی تربیتی-اجتماعی

«عدل» در آیات مورد مطالعه نه صرفاً یک معیار انتزاعی برای سنجش تساوی، بلکه اصل تنظیم‌کننده روابط خانوادگی است. عدالت سه کارکرد اصلی دارد: کارکرد حقوقی (تضمین حقوق مادی و رفتاری همسران)، کارکرد اخلاقی (جلوگیری از تبدیل گرایش قلبی به ظلم رفتاری)، و کارکرد اجتماعی (پیشگیری از وضعیت‌هایی که زن را از حقوق واقعی همسری محروم

می‌کند).

۹. مقایسه دستاوردهای دو روش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد روش ایزوتسو و روش صدر، دو سطح متفاوت اما مکمل از تحلیل مفهوم «عدل» را آشکار می‌کنند.

روش ایزوتسو بیشترین توانایی را در شناسایی ساختار شبکه‌ای معنا دارد. در تحلیل هم‌زمانی، روابط «عدل» با مفاهیمی مانند قسط، حق، تقوا، ظلم و جور و نیز تقابل میان امکان و عدم امکان در آیات ۳ و ۱۲۹ قابل مشاهده است. این روش همچنین امکان بررسی جایگاه «عدل» در جهان بینی قرآنی و مقایسه آن با کاربردهای پیشاقرآنی را فراهم می‌کند.

در مقابل، **روش صدر** بیش از آنکه بر ساختار واژگانی متمرکز باشد، ظرفیت کشف منطق نظام‌مند و مسئله‌محور قرآن را دارد. این روش می‌تواند نشان دهد که چگونه مفاهیم عدالت، تکلیف، اختیار، حقوق زن، تقوا و جلوگیری از ظلم در یک نظام واحد به یکدیگر مرتبط می‌شوند.

از این رو، تفاوت اصلی دو روش را می‌توان چنین خلاصه کرد:

شهرید صدر	ایزوتسو	محور مقایسه
مسئله و نظام فکری قرآن	واژه و میدان معنایی	نقطه عزیمت
مجموعه آیات و روابط سیستمی	واژه و روابط معنایی	واحد اصلی تحلیل
«موضع جامع قرآن درباره این مسئله چیست؟»	«این واژه در این نظام چه معنایی دارد؟»	پرسش اصلی
استقراء، گردآوری موضوعی و تحلیل سیستمی	هم‌زمانی و درزمانی	روش غالب
کشف منطق حقوقی-اخلاقی عدالت	کشف شبکه معنایی عدل	دستآورد در بحث عدل



تبیین نظام مند و مسئله محور	تحلیل ساختار مفهومی زبان قرآن	نقطه قوت
فاصله بیشتر از تحلیل دقیق زبان شناختی واژه	توضیح محدودتر تاریخ تفسیر و چندصدایی تفسیری	محدودیت
«مدل نظام مند عدل»	«نقشه معنایی عدل»	نتیجه مناسب

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با بررسی تطبیقی کاربرد «عدل» در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء و مطالعه مجموعه‌ای از تفاسیر روایی و تحلیلی شیعه و سنی نشان داد که مهم‌ترین تحول تاریخی این مفهوم را نباید صرفاً به صورت تغییر معنای قاموسی واژه توصیف کرد. شواهد تفسیری بیشتر از گسترش میدان کاربرد، تخصصی شدن مصادیق و افزایش لایه‌های حقوقی، اخلاقی، روان شناختی و اجتماعی مفهوم عدل حکایت دارند.

در مرحله قرآنی، مفهوم عدل در شبکه‌ای تازه از مفاهیمی همچون حق، قسط، تقوا، ظلم و اصلاح قرار می‌گیرد. در آیات ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، این بازاریابی در قالب تمایز میان عدالت عملی تکلیف‌پذیر و عدالت قلبی خارج از توان کامل انسان نمود پیدا می‌کند. قرآن از یک سو تکلیف غیرممکن را تحمیل نمی‌کند و از سوی دیگر، ناتوانی از تساوی قلبی را مجوز تزییع حقوق عملی همسر قرار نمی‌دهد.

در دوره پساقرآنی، این ظرفیت معنایی در شاخه‌های مختلف اندیشه اسلامی بسط می‌یابد. علم کلام، عدل را به مسئله افعال الهی و مسئولیت انسانی پیوند می‌دهد؛ فقه آن را به معیار عملی و حقوقی تبدیل می‌کند؛ و اخلاق و عرفان، آن را در قالب اعتدال و تنظیم قوای نفس بازخوانی می‌کنند.

از منظر روش شناختی، روش ایزوتسو و روش صدر را نباید رقیب مطلق یکدیگر دانست. ایزوتسو برای پاسخ به پرسش درباره ساختار و روابط معنایی «عدل» ابزار نیرومندتری فراهم می‌کند، در حالی که روش صدر برای پاسخ به پرسش درباره کارکرد نظام مند و مسئله محور این مفهوم در منظومه قرآن ظرفیت بیشتری دارد. ترکیب این دو رویکرد می‌تواند چارچوب

مناسب‌تری برای مطالعه مفاهیم قرآنی فراهم آورد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، این چارچوب تلفیقی برای بررسی مفاهیم هم‌خانواده و مرتبط با «عدل»، به‌ویژه «قسط»، «تقوا»، «حق» و «اصلاح»، به کار گرفته شود و ضمن تحلیل ساختار معنایی آنها در متن قرآن، سیر تحول کاربردهای تفسیری و ظرفیت‌های تربیتی، اخلاقی و اجتماعی این مفاهیم نیز بررسی گردد. همچنین، گسترش این الگو به سایر حوزه‌های قرآنی، مانند روابط خانوادگی، عدالت اجتماعی و حقوق متقابل انسان‌ها، می‌تواند به ارائه تصویری منسجم‌تر از نظام ارزشی قرآن کمک کند.



فهرست منابع

قرآن کریم

الف. منابع فارسی

- (۱) بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعثت.
- (۲) پورافخم، مریم و عباسی، مهرداد. (۱۳۹۱). بررسی کاربرد معناشناسی همزمانی در دیدگاه معناشناختی ایزوتسو با تکیه بر مفهوم ایمان. *پژوهش‌های اعتقادی-کلامی*، ۲(۵)، ۵۹-۹۲.
- (۳) پورموالا، سید محمد هاشم؛ غلامی، مرجان؛ بنزاده، راضیه. (۱۳۹۴). معناشناسی واژه عدل در قرآن کریم بر مبنای روش ایزوتسو. *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، سال ۴۸، شماره ۱، ۲-۲۳.
- (۴) جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ش). *تفسیر تسنیم*. قم: اسراء.
- (۵) حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ق). *تفسیر نورالثقلین*. قم: اسماعیلیان.
- (۶) خوشفر، محسن؛ رحمانی حسین آبادی، راحله. (۱۴۰۰). "الگوی عدل الهی با تکیه بر تفسیرالمیزان و اطیب البیان". *تحقیقات کلامی*، سال نهم، شماره ۳۳، صفحات ۴-۵.
- (۷) ربیعی آستانه، مسعود. (۱۳۸۳). ایزوتسو و معنی‌شناسی در آیات قرآن. *پژوهش‌های قرآنی*، ۲(۲۷)، ۳۲۸-۳۴۰.
- (۸) طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- (۹) طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- (۱۰) طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- (۱۱) فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۳۹ق). *تفسیر من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک

للطباعة والنشر.

- ۱۲ فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۱۵ق). *التفسير الصافي*. تهران: مكتبة الصدر.
- ۱۳ قربانخانی، امید. (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی گفت‌وگو با متن» در روش تفسیری شهید صدر و رویکرد هرمنوتیک گادامر. «پژوهش‌های تفسیر تطبیقی»، ۸ (۱۵)، ۴-۳۱.
- ۱۴ قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق). *تفسیر القمی*. قم: دار الکتب.
- ۱۵ کاشانی، ملافتح الله، (۱۳۳۶ش). *منهج الصادقين فی إلزام المخالفين*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۱۶ مدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۹ق). *من هدی القرآن*. تهران: دار محبی الحسین.
- ۱۷ مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۸۰ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- ۱۸ یوسف‌زاده، حسن و نظری، محمدعلی. (۱۳۹۴). *مقایسه روش‌شناسی شهید صدر و ابیزوتسو*. پژوهش‌نامه علوم انسانی/اسلامی، (۳)، ۱۶-۲۷.

ب: منابع عربی

- ۱۹ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق). *تفسير القرآن العظيم*. بیروت: دار الکتب العلمية.
- ۲۰ ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. (عبدالسلام محمد هارون، محقق). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۲۱ ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. (عبدالله علی الکبیر و دیگران، محققان). بیروت: دار الفکر.
- ۲۲ بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۲۳ ثعلبی نیشابوری، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق). *الكشف والبيان عن تفسير القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.



- ۲۴) خازن، علی بن محمد، (۱۴۱۵ق). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۲۵) زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت: دار الکتب العربی.
- ۲۶) سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ق). *بحر العلوم*. بیروت: دار الفکر.
- ۲۷) صدر، سید محمدباقر. (۱۴۰۲ق). *المدرسة القرآنية: التفسير الموضوعي والتفسير التجريبي والسنن التاريخية وعناصر المجتمع في القرآن الكريم*. قم: دار الکتب الإسلامی.
- ۲۸) طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق). *جامع البیان عن تأویل القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- ۲۹) فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. (مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، محققان). قم: انتشارات اسوه.
- ۳۰) قطب، سید، (۱۴۲۳ق). *فی ظلال القرآن*. قاهره: دار الشروق.
- ۳۱) لشخب، زین الدین. (۲۰۲۲/۱۴۴۴). *الدراسة الدلالية للقرآن الكريم عند توشیهیکو /یزوتسو (عرض ونقد)*. باتنة، الجزائر: جامعة الحاج خضر باتنة ۱.
- ۳۲) محلی، جلال الدین و سیوطی، جلال الدین، (۱۴۲۱ق). *تفسير الجلالين*. قاهره: دار الحديث.
- ۳۳) مراغی، احمد مصطفی، (۱۴۲۳ق). *تفسير المراغی*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مقاتل بن سلیمان، (۱۴۲۳ق). *التفسير (التفسير الكبير)*. بیروت: دار إحياء التراث.
- ۳۴) نسفی، عبدالله بن احمد، (۱۴۱۹ق). *مدرك التنزيل و حقائق التأویل*. بیروت: دار الکلم الطیب.

ج: منابع لاتین

- 35) Christiansen, Johanne Louise. (2019). The Educational Qur'an: "Maybe You Will Understand (la'allakum ta'qilūn)". *Numen*, 66(5-6), 550-579.
- 36) Lawson, Todd. (2008). Duality, Opposition and Typology in the Qur'an: The

Apocalyptic Substrate. *Journal of Qur'anic Studies*, 10(2), 23–49.

37) Sumera, A., & Hussain, M. (2024). Toshihiko Izutsu: Introduction, Methodology of Semantic Analysis of Quran. *Journal of Versatile Innovations and Trends in Research*, 12(2), 123–138. <https://doi.org/10.1993.vfast-tir.v12i2.21015>